

جنگ چینی یا سفینه ایلانی (پوسی)

قسمت سوم

یادداشت‌هایی است از مسافرتی که در هم‌صحبتی

محمد تقی دانش‌پژوه در خرداد ماه ۱۳۵۹

در شهرهای چین کردم. در قسمت اول

اشاراتی به سوابق ارتباط فرهنگی ایران و

چین شد و شرحی درباره وضع کتابخانه

ملی آن کشور گفته‌ام و اینک دنبال آن

مبحث .



باز درباره "جنگ"



توضیح مختصری که در نخستین بخش مقاله درباره لفظ جنگ گفته‌ام، نتوانست جوابگوی همه پرسشهایی باشد که محتملاً برای خوانندگان پیش می‌آید. اینک توضیحی دیگر در تکمیل آن یادداشت آورده می‌شود.

کلمه "جنگ" در تداول ادبای زبان فارسی و اهل کتاب مجموعه‌ای است از نوشته‌های گزیده و پراکنده به نظم و نثر و خود کلمه‌ای است چینی بمعنی زورق بزرگ بادبانی که در قبال لفظ "سفینه" (کشتی) و در همان مفهوم به کار رفته است. قدمت استعمال "سفینه" در ادبیات ما پیش از "جنگ" است. لفظ "سفینه" در شعر شاعران و نوشته‌های ادیبان پیشین به کار رفته است. از جمله در چهارمقاله عروضی سمرقندی می‌خوانیم که چون شعری به حد بلندی برسد آن را "برسغائن بنویسند و در مدائن بخوانند". سوزنی سمرقندی در قصیده‌ای گفته است:

از قلم سوزنی به مدحت صاحب پنجه دیوان بیش باد و سفینه

سعدی هم در غزلی نشان داده است که سفینه در عهد او مجموعه‌ای بوده است که در

آن نوشته‌ها و سروده‌های متنوع را جمع می‌کرده‌اند، این چنین:

سفینه حکمیات و نظم و نثر لطیف که بارگاه ملوک و صدور را شاید

حافظ در بیت مشهوری دیوان شعر را "سفینه غزل" نام برده و در غزل دیگری درباره

دیوان شعر فرموده است:

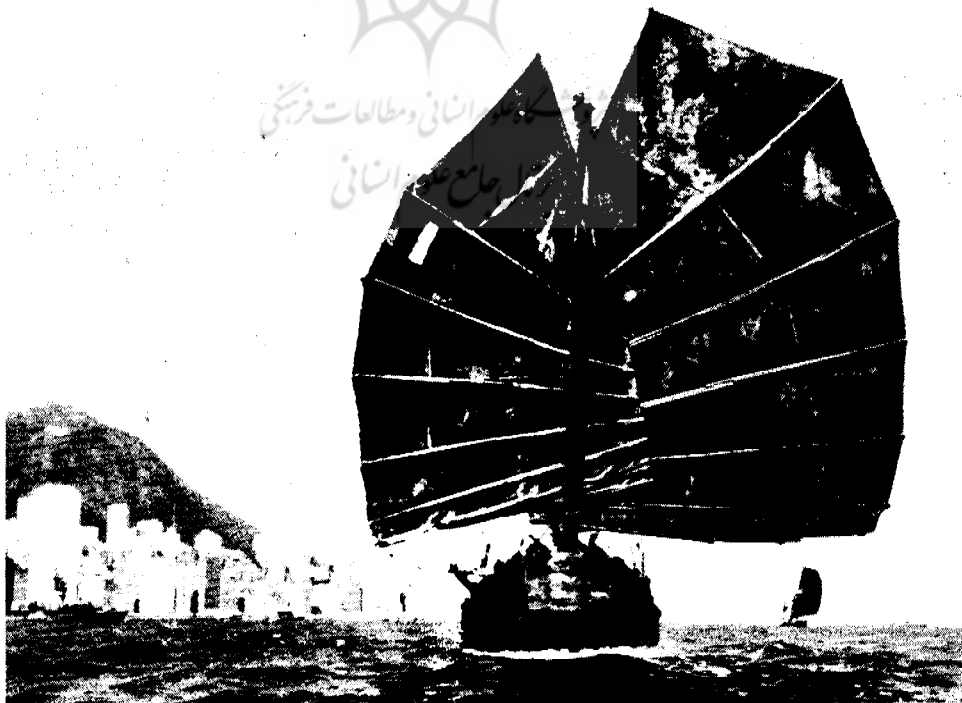
من و سفینه حافظ که جز درین دریا بضاعت سخن درفشان نمی‌بینم

شاعر درین بیت با کلمات سفینه و دریا صنعت‌گری در شعر را فراموش نکرده و بازی

شاعرانه کرده‌است. لفظ سفینه در نام عده‌ای از کتابهای فارسی و عربی دیده می‌شود مانند سفینه النجاة (متعدداً) و سفینه سلیمانی شرح مسافرت یک ایرانی در عهد شاه سلیمان صفوی به سیام.

اما جنگ (به ضم جیم) چنانکه پیش‌ازین گفته شد کلمه‌ای است چینی و بمعنی کشتیهای بادبان‌دار است و اینکه مرحوم دهخدا در لغتنامه آن را لفظ هندی دانسته‌است غلط است. ممکن است بعلت کثرت تداول این لفظ در میان شعرا و ادبای هند چنین تصویری بر او روی آورده‌است. این کلمه در چینی امروزی Junga تلفظ می‌شود و همانطور که به زبان فارسی وارد شده است به زبانهای اروپائی هم رفته و از جمله در انگلیسی بصورت Junk و به معنی قایق و زورق مستعمل شده‌است. در صورتی که در زبان فارسی معنی اصلی خود را که نخستین بار ظاهراً در سفرنامه ابن بطوطه دیده می‌شود از دست گذارده‌است و جایگزین معنای مجازی خود و معادل "سفینه" و از مترادفات آن شده‌است، یعنی دفتری که در آن پراکنده‌هایی از نظم و نثر گرد آورند.

چنانکه اشاره شد ظاهراً قدیمترین مورد استعمال آن در متون عربی و فارسی در سفرنامه ابن بطوطه باشد که بصورت "جنگ" ضبط شده‌است. شرح مفصلی برای این کلمه در لغتنامه بسیارهای "هابسن جابسن" آمده و مؤلفان آن پول A.C. Burnell, H. Yule نشان داده‌اند که نخستین بار در سال ۱۳۳۱ ق. در متون زبان انگلیسی استعمال شده‌است. برای تفصیل مطلب به "هابسن جابسن" مراجعه شود. به نقل از کاترم نوشته که رشید الدین فضل الله در جامع التواریخ قبل از هر مؤلفی "جنگ" را به جای کشتی استعمال کرده.

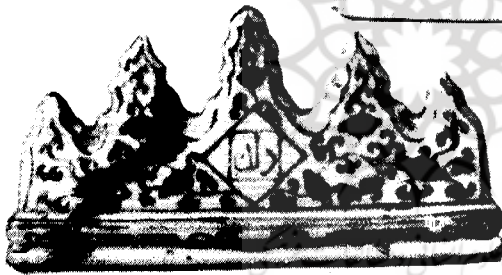
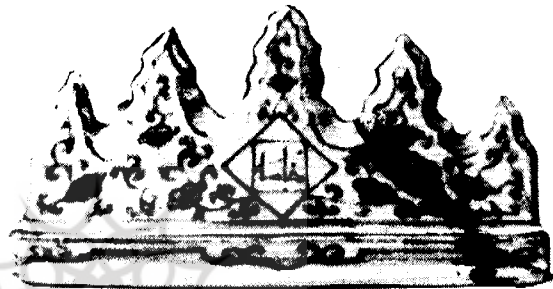


ایرانیات در انجمن اسلامی پکن

در انجمن اسلامی پکن، دو قطعه چینی قدیمی بسیار زیبا دیدم که در حبه آینه نگاه داری می‌شود و چون بر آن دو قطعه کلماتی به خط و زبان فارسی نقش شده بود بی اختیار خواهش کردم که از حبه آینه به درآورند و اجازه دهند عکس از آنها بردارم.

یکی از آنها "جاقلمی" است، نه مانند قلمدانهای ایرانی، چیزی است کنگره دار که نقاشان و کاتبان چینی قلمهای موئین خود را بر سر آن می‌نهند. بر یک طرف آن نوشته است "خامه" و بر طرف دیگر "دان".

سمت روی جاقلمی
یکی از آثاری که نمودار
نفوذ زبان فارسی است



سمت پشت جاقلمی

قسمت نحتانی جاقلمی



دیگری گلدانی است که بر آن این مصرع خوانده می‌شود:

"هرگسی نازد بچیزی من بتو نازم بتو."

این چینیه‌ها از عصر سلاطین مینگ است و علی‌الظاهر از همان چینیه‌هاست که چینی‌سازان

برای ایرانیها میساخته‌اند ، یعنی از همان سنخ و نوعی است که مقداری از آنها را برای سلاطین صفویه آورده‌اند و مخصوصاً " مقدار زیادی برای چینی‌خانه اردبیل ساخته بوده‌اند و قسمتهایی از آنها که از تصاریف روزگار برکنار مانده‌بود به موزه ایران باستان منتقل شده‌است .



گلدان با خط فارسی

دیگر از دیدنیهای محفوظ در انجمن اسلامی پرده خطی است که صورت " خط نقاشی " دارد . این قطعه صورت " یا مصطفی " است که نقاشی چینی آن را به اسلوب " خطنقش " رایج در چین کتابت و بهتر بگوئیم تصویر کرده و عبارات و کلماتی هم به عربی و به خط ریز در اطراف آن نوشته‌است . گفتند که این پرده از آن یکصد سال پیش است . مشاهده این پرده مرابه یاد قطعه‌ای انداخت که محمد احصایی از " ن و القلم " به اسلوب " خطنقش " نوشت و اکنون بر دیوار یکی از تالارهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آویخته است .

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی



" خطنقش "

کار نقاش چینی

که گفته‌اند " یا مصطفی " است

کتابهای فارسی و عربی چاپ قدیم چین

- در کتابخانه احمن تعدادی از کتابهای فارسی که در قرن گذشته در چین طبع شده است نگاه داری می شود و عبارت است از :
- * کیمیای الفارسیه : تألیف حاج محمد نورالحق بن لقمان الصینی . این کتاب در تعلیم زبان فارسی و عربی به مبتدیان است (طبع سال ۱۸۹۵) .
 - * مهمات المسلمین در شن ارکان ایمان (طبع سال ۱۸۹۴) .
 - * مجمع البحرین که بار از تألیفات حاج محمد نورالحق بن لقمان الصینی است و حاوی کتابهای الفصل در ایمان و تفضیل الایمان است .
 - * عمدة الاسلام . دو جروه . (طبع سال ۱۸۹۷) .
 - * رباعی حاوی توبة الاغیار و توبة العجائب و کفیه خواحه الختم و برات شعبان (ادعیه عربی) (طبع سال ۱۸۹۴) .

x x x

در اینجا یاد داشت می کنم که نسخه ای خطی (در سه جلد) از اوائل قرن هشتم هجری به خط یک کاتب ختنی دیدم و آن کتابی به نام کافی در فقه است و رقم کاتب چنین ضبط شده :
 "... سعدالله بن محمد بن مشرف السبیسالار يعرف سعدی بن حمید منجم بن اسمعور (کذا)
 صاحب الختنی ... سنة ۷۱۹ .

وله المکارم والعلی والوجود

تم الكتاب و رينا محمود

ما حضر ریحان و افرق عود

و علی النبی الهاشمی تحمیه

سلام علیک عدید الرمل والحجر

یا من راءى خطی و لم یرنی

و بالسلامة امضانا من السقمر

الله یجمعنا فی دار جنة

دیوار چین

عمده قصدم آن است که درین یادداشتها به مناسبات مربوط به روابط ایران چین بپردازم ولی چون دیوار چین سراسری دیدنی است و یادش در افواه ایرانیان ساری شده و جای جای در کتب قدما ذکرش آمده است کلمه ای چند در باره آن می نویسم . مخصوصا " ازین نظر که ایرانیان عصر ساسانی هم دیواری استوار برای پیشگیری هجوم هیاطله ساخته بودند . یعنی کاری کرده بودند همانند چینیان .

دیوار چین در قرن چهارم پیش از میلاد ساخته شده و علتش آن بوده است که قبیله مهاجمی به نام "شون نو" به شهرهای چین هجوم می آورده و زندگی و آسایش چینیان را مختل می کرده اند. احتمال می دهند که شون نو "تاتارها" بوده اند.

در آغاز، دیوار یکسره و پیوسته نبود. قطعه قطعه ساخته شده بود. در قرن سوم قبل از میلاد یعنی در دوره ای که سلاله های چین متحد شدند دیوارهای تکه تکه را به هم پیوستند.

طول دیوار در مجموع در حدود شش هزار کیلومتر است (یعنی به اندازه شش برابر فاصله میان تهران و کرمان) و بلندی آن در اکثر مواضع هفت متر. عرض ابراه روست.

مصالح عمده اصلی که در دیوار به کار برده اند قطعات سنگ تراشیده است و نیز آجرهای بزرگ که به رنگ سیمان است و تصور نخستین بیننده آنست که سیمان است و کار تازه.

آجرهایی که برکف دیوار فرش شده است درست هم اندازه آن آجرهای بزرگی است که تا سی چهل سال پیش در تهران می ساختند و معمولاً "کف حیاط و ایوان خانه ها بدان پوشش می یافت و به آنها" خطائی" گفته می شد و باید آن را یکی دیگر از مظاهر اقتباس ایرانیان از مدنیات چینیان دانست.

دیوار چین از عجایب سبعة عالم بوده است و هست و بهمین علت بوده است که چینیا خود مثلی عالی درباره آن دارند. می گویند هر کس به دیوار چین نرسیده باشد قهرمان نیست.

متشابهات مدنی

بهنگام عبور از آبادیهایی که میان راه پکن به دیوار چین بود چشم و ذهن متوجه زندگی مردم بود و آنچه را که میان تمدن چینیا و خودمان مشابه یافتیم قابل ضبط دانستم می نویسم تا محققان مطالعات اجتماعی به دیده تحقیق در آنها بنگرند:

- * زنان و پیرمردان دم در حیاط و کنار دیوارها می نشینند.
- * خانه های قدیمی دارای درهایی است با گل میخ و حلقه و کوبه و حتی "کلون".
- * لبه دیوارها برای حفاظت از باران کاه گل شده است.
- * سکوهای سنگی در دو طرف درب بسیاری از خانه ها نصب است.
- * برای اینکه چون در خانه باز می ماند اندرون خانه دیده نشود دیوارکی پیش درمی سازند تا مانع دید اغیار باشد.

* مغازه ها به وسیله "تخته" بسته می شود همان تخته هایی که در قدیم الایام در بازارهای ایران مرسوم بود و هنوز بندرت در بعضی از دهات مایاتی مانده است.

* چسباندن کاغذهای خطی یا چایی حاوی عباراتی برای خوشبختی صاحب خانه، یا کلمات بزرگان بردروردی خانه ها (همانند قطعات کاشی نصر من الله و فتح قریب و نظائرش که

بر سر درخانه‌های ایران نصب می‌کنند). این اوراق را بیشتر بمناسبت اول سال، جشن تولد، اعیاد می‌چسبانند. اول سال چینی در ماه فوریه است و سالی چند روز پس‌روپیش می‌شود.

سفر چین زلف...

برای دیدار از دیوار چین سفری را که گرم بود و خسته کننده گذراندیم. دانش پژوه خسته شده بود. گرمای شلجی‌زا او را کلافه کرده بود.

در راه بازگشت آقای زینگ صحبت را به ادبیات فارسی کشانیدیم. در این میان خودش موضوع ترجمه کتاب تاریخ ادبیات دکتر رضازاده شفق را عنوان کرد. متن کتاب را به همراه آورده بود و پرسشهایی را عبه بعضی از مواضع آن می‌کرد. خیلی ازین کتاب خوش آمده‌است. ضمناً "گفت هفت نفر از محققان رشته ادبیات فارسی برای دوره مفصل "دائرةالمعارف ادبی جهان" که در دست تالیف است به نوشتن مقالات مشغول اند. گهت که قسمت ایران باید چهل هزار کلمه بشود.

ازو پرسیدم از میان متون مهم ادبی فارسی کدام‌ها به چینی ترجمه شده‌است. گفت معدود.

پرسیدم کدام‌هاست.

گفت: قسمت رسم و سهراب شاهنامه از روی ترجمه روسی به چینی درآمده. و گفت تمام متن گلستان سالها قبل ترجمه شده‌است. و گفت ترجمه مقداری از غزلیات حافظ زیر چاپ است. و گفت که یکی از همکارانم به ترجمه بوستان مشغول شده‌است.

پرسیدم از آثار ادبی معاصر کدام‌ها ترجمه شده؟

گفت گزیده‌های دیوان ملک الشعرای بهار و داستانهای کوتاه صادق هدایت.

چون زینگ نسبت به شعر فارسی علاقه مندست و اشعاری را که در کتاب تاریخ ادبیات شفق مندرج است به چینی ترجمه کرده‌است و اغلب بر مشکلات آنها پی برده، به او گفتم من یک بیت شعر که به سرزمین چین اشارتی دارد می‌خوانم. اگر توانستی آن را معنی کنی می‌توانم گویم که تمام شعرها را درست ترجمه کرده‌ای و آن این بیت است:

شبی اگر سفر چین زلف خواهی کرد

ز یاد بندر سورت برو که مهتاب است

طبعاً نتوانست. زیرا کلید فهم معای شعر در کلمه "سورت نهفته است که نام بندر معروفی بوده است در هندوستان و ایرانیان از راه دریائی آنجا به چین می‌رفته‌اند. ضمناً "شاعر با کلمه "سورت" بازی کرده و مرادش کلمه "صورت" بمعنای چهره بوده‌است که تناسبی ریباً با زلف در مصراع اول دارد.

دنباله در شماره های دیگر